



قله فارس کجاست؟!

- سیدمرتضی شیرازی***

از جمله شاخسه‌های هر منطقه و اقلیمی که آن را به شکل خاصی مشخص نموده و با آن ظرفیت‌ها، بسترها و فرصت‌هایی است که در آن مکان به چشم خورده و به منصف ظهور می‌رسد که شامل مواردی از قبیل منابع خدادادی، فرهنگ، آداب و سنن، انسان‌های تأثیرگذار یا حادثه تاریخی است که در مقطع خاصی در آن منطقه روی داده است که سرآمد آنها را می‌توان به مکه معظمه به جهت وجود بیت‌الله‌الحرام، مدینه منوره به جهت مرکز اولین حکومت اسلامی و وجود مرقد منون و مطهر پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد(ص) و ائمه بی‌قبح، نجف اشرف، کربلای معلی، مشهدالرضا و سایر مرقد مطهره و شاهد مشرفه به جهت وجود حرم‌های مطهر معصومین(ع) ، لندن به جهت وجود ساعت بیک بیگ و مرکزیت تنظیم ساعت کشور‌های جهان بر اساس آن و سایر مناطقی که هر کدام با عنوانی مشهور شده و به سبب آن متبادر به اذهان شده و می‌شوند.

لیکن آنچه مهم‌تر از بسترهای ایجاد شده در راستای شهرت آن منطقه نقش آفرینی می‌کند، حفظ این آثار و ارزش‌ها در طول تاریخ و اجازه ندادن آثار تأثیرگذار، بر تخریب، بلعیا و دگرگونی آنها در گذر زمان است تا همچنان در فراز و نشیب‌های تاریخی، شهرت خود را در آن عنوان و عناوین حفظ نموده یا حتی روز به روز، بارزتر و مشخص‌تر گردد که نمونه‌های تاریخی آن بر همگان روشن و میرز است.

در این میان، استان برآزاره فارس و شهر شیراز پس از آنکه در طول سالیان سال و گذر تاریخ، به علم و ادب، فلسفه و حکمت، گل و بلبل و مهمان نوازی شهرت یافته بود، به یمن تشریف رهبر فرزانه انقلاب به این استان شهر و پایتکار علم، ایشان، ملقب به دو شاعر زیبا و پسنندیده؛ «فارس در قله است» و «شیراز سومین حرم اهل‌بیت(ع) در ایران» گردید تا بتواند از مراتب رشد و تعالی فزاینده‌تری برخوردار گردیده و در کنار سایر شاخسه‌ها، در طول ۱۲ سال برای این همچون نگینی درخشیده،سایرین را نیز بر تو انوار ساطع‌اش بپهرمند سازد؛لیکن متأسفانه با

برایبنی گذر ایام و سالیان گذشته که تلخ‌تر از زهر بر این استان و شهر گذشت، نه تنها روز به امیدی را به آینده بهتر این بوم و دیدار به اذهان متبادر نمی‌سازد بلکه همواره باید گفت که روز به روز درخ از دیروز و سال به سال درخ از پارسل!!

اما چرا و به چه علت؟! در پاسخ به این سؤال شاید بتوان از اسانس قانون علت و معلول که در ایجاد عامل در خشندگی این منطقه مؤثر بوده است، پاسخ قانع‌کننده‌ای یافت و در ده‌ها چاره جست و فکری برای آینده نمود تا لاقفل فرمایش امیر کلام امیر المؤمنین (ع) «من تساوا بوماه فهو مغبون» - هر کس دو روز او را هم یکسان بود زیرا بیکار است - مشمول حال آن نشود که در این راستا ایجاد مختلف را به نقد و بررسی خواهیم پرداخت:

۱- وجود امامزادگان واجب‌التکریم این دیار - و سرآمد ایشان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ(ع) - که پیشترین آمار بازدید کننده را نیز در بین سایر مناطق به خوداختصاص داده است بستر خوبی است برای پهرمندی از انوار ساطعه ایشان در گسترش فضاهای معنوی و سوق دادن این بوم و به لقب زیبای سومین حرم اهل بیت (ع) در ایران.

اما باید دید چه حد این پهرمندی در مقام عمل مورد استفاده قرار گرفته و از مرحله شعار و نوشته شدن بر سر برگ ادارات، به مرحله شور رسیده و در میان دعواها و ادعاهای گوناگون، توانسته شهر شیراز و استان فارس را متأثر از خود ساخته و به جای مشاهده استیلای فضاهای معنوی، روز به روز شاهد مظاهر فسادو آمارهای تکان دهنده باشیم؟!

آیا جز این است که در مقام عمل هر کدام به دنبال هر چیزی دیگری جز هدف اصلی این نامگذاری مبارک بوده و نه تنها به دنبال بسترسازی برای تحقق آن نبوده و نینستند بلکه نقطه عطفی با عنوان: «جشنواره ملی شیراز سومین حرم اهل بیت(ع)» که با هدف عملیاتی و کاربردی ساختن این دستورالعمل شایسته در ابعاد مختلف به راه انداخته شد،را نیز برنرفته‌هر کوششی در این را عقیم ساخته و می‌سازند.

۲- پرورش عالمانی با عنوان شهره جهانی نظیر

ملاصدراي شیرازی و میرزای شیرازی و ادیبانی

نظیر حافظ، سعدی ووصال شیرازی، حکایت از

عالم پرور و ادیب پرور بودن این خطه و دیدار دارد

که همگان نیز به آن اذعان دارند.

اما نباید دید چه شده است که اگر بخواهیم در

این دیار به عالمان و ادیبانمان افتخار و مباحثات

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

ریشه تفاوت فیلم‌های محمدرسول‌الله(ص)، مختار، و ولایت عشق و محمد(ص)

محدودیت‌های سینما در تصویرسازی از مفاهیم دینی

کشید. چه بسا با به تصویر کشیدن آنها، شأن و رتبه فرامادی‌شان را خدشه‌دار کرده و تنزل رتبه‌شان دهم.

د- سینماگران متعدد باید توجه داشته باشند- به رغم بدغدغه‌های قابل ستایش- در حوزه مفاهیم دینی نمی‌توان به سراغ

هر مفهومی رفت و در باز‌نمایی تصویری آن کوشید، چراکه ممکن است چنین عملی نتیجه عکس داشته باشد و خلاف مقصود سینماگر حاصل آید. برای نمونه «محمدرسول‌الله(ص)» را در نظر بگیرید.

در محمدرسول‌الله(ص) جسم و بدن معصوم به هیچ وجه به تصویر کشیده نمی‌بود. عقاد برای به تصویر کشیده شدن موقعیت‌هایی که در آنها معصوم حضور دارد از لنز دوربین استفاده کرده و نگاه دوربین را نگاه معصوم معرفی می‌کند و بدین سان حضور معصوم را در فیلم در ذهن و روان مخاطب ایجاد می‌کند بدون آنکه تصورات کند. چنین عملی باعث ایجاد حسنی در مخاطب می‌شود که شمه‌ای از بزرگی شخصیت و وسعت روحی معصوم را حس کرده و در چنین سکانس‌هایی که دوربین به نمایندگی از پیامبر(ص) یا حضرت امیر(ع) از اطراف می‌نگرد، نفس در سینه مخاطب حبس شود.

حال هنرنمایی عقاد در محمدرسول‌الله(ص) را با «ولایت عشق» مقایسه کنید.فخیم‌زاده در ولایت عشق بدون توجه به این موضوع، بدن و جسم معصوم(ع) را به تصویر در پی ایجاد حسنی غیرمادی در مخاطب است، اما چنین تجربه‌ای باید با استفاده از ابزار و تکنولوژی مادی انجام شود. در واقع در پی به نمایش کشیدن مجردات در چنین فرآیندی با موفقیت کامل روبه‌رو نمی‌شود. کارگردان با این عمل نه تنها در نمایش و ایجاد حس بزرگی و وسعت روحی- شخصیتی معصوم ناتوان مانده بلکه تصور و ذهنیتی را که مخاطب در ذهن خود از آن معصوم(ع) دارد، نیز خدشه‌دار کرده و نگرش به معصوم(ع) را در ذهن مخاطب تاسطح یک انسان ساده می‌کند. زیبا و مؤدبانه و ادیبانه سخنی می‌گوید، تنزل می‌دهد. این مسئله که کدام مفاهیم در ظرف مادی و تکنولوژیک سینما نمی‌گنجد و نباید به مثل به تصویر، به پرورش آنها پرداخت. خود می‌تواند موضوع تحقیق دیگری باشد.



است. در آیات و روایات مضامینی وجود دارد که با صراحت یا به طور ضمنی وجود حقیقت ویژه انسانی و طبیعت مشترک آن انسان‌ها و عناصر و ویژگی‌های آن در بعد شناختی، گرایشی و توانشی دلالت دارد؛ ولی آنچه از همه بیشتر مورد تأکید و تصریح آیات و روایات قرار گرفته، مسئله طهرت است.

ج- هملگونه که عنوان شد، سینمای دینی مجرد است و دیگری مادی.

ب- سینمای دینی در پی خلق مفاهیم مجرد دینی است. سینمای دینی در پی خلق معنلهایی است که نسبتی با حقیقت و ارزش‌های مستسب به آن دارند. در جهان بینی اسلامی ذات و نوعیت انسان نسبت به این ارزش‌ها بی‌طرف نیست. بین انسان و حقیقت نسبتی وجود دارد که نمی‌تواند نادیده گرفته شود. به عبارت دیگر انسان همچون طرفی توخالی نیست که پذیرای هر مظهروفی باشد. ذات انسان نسبت به نیکی‌ها و حقیقت بی‌طرف نیست. او به گونه‌ای فطری و ذاتی نسبت به پای‌ها و نیکی‌ها گرایش دارد و بذر حقیقت‌طلبی و حقیقت‌خواهی در وجود او کاشته شده است و نسبت به فضیلت‌ها و زذیلت‌ها آگاهی فطری دارد. او با حقیقت بیگانه نیست. در لاهوت و ملکوت حقیقت را شناخته و به حقایقت او گواهی داده

چنین امری ناممکن نیست ولی نباید از نظر دور داشت که مثل کشیدن به مفاهیم مجرد و غیرمادی در درجه اول نوعی تنزل و دگرگانی عشق است. مقایسه کنید.فخیم‌زاده در ولایت عشق که درجه اول نوعی تنزل به تصویر می‌کشد. این همان تنگنایی است که باعث می‌شود سینماگر به سمت اصل سوزه نرود و ترجیح دهد، روایت خود را در سایه و فرغ موضوع اصلی قرار دهد.مادی که به وضوح در «مختارنامه» و «محمد(ص)» دیده می‌شود. داوود میرباقری و مجید مجیدی در جیح داده‌اند روایتی فرعی را دستمایه اثر خود قرار دهند.

الف- مفاهیم دینی از قید زمان و مکان رها هستند و اصولاً چنین مسئله‌ای از مهاجرت بی‌رویه غیربومی‌ها از شهرها و مناطق مختلف دارای فرهنگ گاه صد در صد مخالف با فرهنگ و آداب و سنت‌هایمان و اجازه استیلای فرهنگ ایشان بر فرهنگ اصل و بی‌بدیلمان از یک سو و باز گذاشتن دست عده‌ای خودسر در استقبال از مهمانان با سنگ و چوب و چماق در زمان‌های متعدد و شانه خالی کردن از بار مسئولیت و عذرهای بدتر از گناه از سوی دیگر، نه تنها دیگر خود را از داشتن چنین صفتی محروم ساختیم بلکه لکه سیاهی را تا ابدیت تاریخ بر پیشانی این مرز و بوم حک نمودیم؟!

۴- به اذعان همگان و شهادت تاریخ بسیاری از محصولات کنشاورزی استان فارس در حد نمونه و گاه منحصر به فرد بوده است که کسب مقام صادرات گنم در طول ۱۲ سال برای این استان در میان سایر مناطق کشور نمونه بارزی بر این مدعاست.

اما آیا به جای آنکه با برنامه‌ریزی و مکانیزه کردن کشت و زرع و استفاده از متخصصین علوم کشاورزی و بهینه‌سازی مصرف آب و جلوگیری از هدررفت آب‌ها، به بهانه گسترش

زمین‌های کنشاورزی و مشغول ساختن عده‌ای در ظاهر، بهتر نبود تا با به راه اندختن طرح‌هایی مانند فلاحت و فراغت به شکل بی‌رویه و غیر کارشناسانه و یا خشک‌اندن سفره‌های آب‌های زیرزمینی، بر سترو به خشکسالی و بیابانی شدن این استان راه میانه‌نموده و هر سال مجبور نشویم برای التماس قطرهای باران حتی برای آشامیدن روزمره خود، چندین نماز باران بخوانیم؟!

۵- وجود بسترهای نظیر آثار متعدد میراث فرهنگی و گردشگری، معادن، قرار گرفتن استان بر سر شاهراه شمال به جنوب، ارتباط ویژه و گاه سببی سکانین کشورهای حاشیه خلیج فارس با مردم فارس ، ایجاد صنایع مادر و در پی آن اشتغالزایی در حد کلان و زیربنایی به جای صنایع خرد و دم دستی و بسیاری از بسترهای دیگر، زمینه را برای رشد و تعالی استان فارس تا حد رسیدن به شاخص‌ترین استان در نمودار توسعه و پیشرفت، آماده و مهیا نموده است.

اما آیا هم دریف شدن این استان یا پایین‌ترین توسعه‌ها، راه آهن و اتوبان قابل توجه در استان، طول انجامیدن ۱۴ ساله طرح مترو و توجیهات بی‌اساس مسئولان و دهه‌ها عنوان و علامت سؤال دیگر، شایسته این استان است؟!

و آیا اینجانبست که به یادسختن ارزشمند مقام معظم رهبری (مد ظله) می‌اقیم که فرمودند: «فارس در قله است» که شاید منظور معظم، بودن بسترها و فضاهایی است که فارس را شایسته در قله بود و نه تنها نموده است که الحق نیز چنین است لیکن نیازمند تحول بنیادین مدیریتی، همت و تلاش مضاعف و مدیریتی جهادی است و گرنه با این شرایط نمی‌توانیم از خود بپریم: «فارس کجاست؟!»

«**استاد حوزه و فقه و حقوق دانشگاه شیراز**»



هیجان زدگی صداوسیما در یک الگوسازی کاذب

- معصومه طاهری**

چند روزی است که خبر حضور رونی کلمن در سایت‌های خبری و حتی تلویزیون به یکی از خبرهای مهم تبدیل شده است. اوج این خبر‌ها در ابتدا به صورت انتقادی بود که چرا فردی که نه سابقه خوبی و نه اخلاق ورزشی و پهلوانی دارد به ایران آورده می‌شود، اما هم با اهدافی که دعوت‌کنندگان آن را امالی می‌دانند. درحالی‌که اولاً ورزش پهلوانی ما و روحیه و فرهنگ ورزشی ما-با حضور چنین فردی مغایرت دارد و ثانیاً ما ماهر مناسن و پهلوانان بزرگ و شناخته‌شده‌ای در همین عرصه، یعنی پرورش اندام داریم ولی هیچ کس حاضر به معرفی آنها نیست؛ قهرمانانی که مدال‌های جهانی آنها در دنیا یک برند است اما این اعتقادات به صورتی هدهدفند کم‌کم به تبلیغ حضور این بدنساز امریکایی تبدیل شده؛ بدنسازی که حمایت‌های گز و هوک‌های

تورویستی مسلمان کش، خشم بسیاری از منتقدان را برانگیخته بود. وقتی رونی کلمن به ایران آمد به نمایندگی از پیامبر(ص) یا حضرت امیر(ع) از اطراف می‌نگرد، نفس در سینه مخاطب حبس شود. حال هنرنمایی عقاد در محمدرسول‌الله(ص) را با «ولایت عشق» مقایسه کنید.فخیم‌زاده در ولایت عشق بدون توجه به این موضوع، بدن و جسم معصوم(ع) را به تصویر در پی ایجاد حسنی غیرمادی در مخاطب است، اما چنین تجربه‌ای باید با استفاده از ابزار و تکنولوژی مادی انجام شود. در واقع در پی به نمایش کشیدن مجردات در چنین فرآیندی با موفقیت کامل روبه‌رو نمی‌شود. کارگردان با این عمل نه تنها در نمایش و ایجاد حس بزرگی و وسعت روحی- شخصیتی معصوم ناتوان مانده بلکه تصور و ذهنیتی را که مخاطب در ذهن خود از آن معصوم(ع) دارد، نیز خدشه‌دار کرده و نگرش به معصوم(ع) را در ذهن مخاطب تاسطح یک انسان ساده می‌کند. زیبا و مؤدبانه و ادیبانه سخنی می‌گوید، تنزل می‌دهد. این مسئله که کدام مفاهیم در ظرف مادی و تکنولوژیک سینما نمی‌گنجد و نباید به مثل به تصویر، به پرورش آنها پرداخت. خود می‌تواند موضوع تحقیق دیگری باشد.



«فصل شیدایی»؛ این بار در یزد

عوامل نمایش بزرگ «فصل شیدایی»؛ این بار در استان یزد و منطبق با اتفاقات بومی این استان به اجرای نمایش می پردازند. به گزارش مشاور رسانه‌ای مرکز مهناب، علیرضا کوهرفر رئیس مرکز هنرهای نمایشی انقلاب اسلامی «مهناب» درباره فعالیت‌های این مرکز در سال ۹۴ اظهار کرد: امسال کارمان را با استان یزد آغاز کردیم و از ششینی پنجم از دیپلمه‌ست نمایش «فصل شیدایی» را در منطقه پارک کوهستان یزد که در اطراف این شهر قرار دارد، روی صحنه می‌بریم. وی افزود: این بار لوکیشن ما وسیع‌تر از استان‌های قبلی است و در دامنه کوه به اجرا می‌پردازیم. ضمن اینکه امکان نمایش برخی صحنه‌ها که آنها را در قالب تصویر پخش می‌کردیم نیز وجود دارد، مثل صحنه غار چرا. کوهرفر از یافتن سوزه‌های بومی و استانی مختص یزد برای این اجرا خبر داد و تأکید کرد: واقعه ۱۰ فروردین ۱۳۵۹ که مردم یزد چهل‌شهدای تبریز را بر گزار کرده بودند و دیواره قیامی شکل گرفته بود، یکی از این وقایع است. آن زمان حجت‌الاسلام والمسلمین راشد یزدی در حال سخنرانی بود که ساواک وارد عمل می‌شود و این امر و شهید و مجروح شدن برخی از مردم شهر را به دنبال دارد. رئیس مهناب تأکید کرد: همچنین به حادثه طیس که در سنال ۱۳۵۹ رخ داد، در قالب تصویر می‌پردازیم و اتفاقی را که برای نیروهای نظامی امریکاطی طوفان رخ شن داد به تصویر می‌کشیم.

برگزاری نشست هجدهمین جشنواره تئاتر فتح خرمشهر

جشنواره تئاتر فتح خرمشهر عنوان شد. در این نشست همایون فتوایی (مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان و دبیر جشنواره)، رضا مردانی (رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خرمشهر)، بهروز نشان (مدیر فرهنگ منطقه آزاد اروند)، حسین ذوالفقاری (مدیر انجمن هنرهای نمایشی خرمشهر)، مهدی شعبی (مدیر کل هنرهای نمایشی)، پیمان شرعیتی (معاون اجرایی هنرهای نمایشی) و مهدی حاجیان (مدیر دبیرخانه دائمی جشنواره‌ها) حضور داشتند.

هجدهمین جشنواره ملی تئاتر مقاومت فتح خرمشهر با مشارکت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان- سازمان منطقه آزاد اروند- اداره کل هنرهای نمایشی و سایر نهادهای استان خوزستان و شهرهای آبادان و آزادسازای خرمشهر و ایجاد روحیه نشاط و امید در جامعه از نکات مطلوب و قابل تأمل در دوره جاری



توسط این سازمان، استقرار و شروع به کار دبیرخانه جشنواره در شهر خرمشهر و حضور فعال هنرمندان آبادان و خرمشهر در مراحل برنامه‌ریزی و اجرایی

جشنواره، توجه و اهتمام جدی به کیفی‌گرایی در انتخاب آثار و نگاه هنرمندانه به انعکاس واقعی حماسه آزادسازی خرمشهر و ایجاد روحیه نشاط و امید در جامعه از نکات مطلوب و قابل تأمل در دوره جاری